

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه

درس 3

سیر تحولات فلسفه

(قسمت دوم)

در درس قبل ، به شرح مهمترین مکاتب فلسفی در هند باستان پرداختیم .
اینک یکی دیگر از مکاتب یاد شده را از نظر شما می گذرانیم :

مکتب بودا

نام بودا "سیدهارتها" (Siddhartha) و از خاندان معروف به "گوتاما" (Gautama) بوده است. لقب "بودا" یعنی : آگاه بر همه چیز.

مورخان ، وی را شخصیتی می دانند که ششصد سال قبل از میلاد زندگی می کرده و به منظور تکامل معنوی ، ریاست و ثروت خود را رها نموده و گوشه انزوا اختیار کرده و به مراقبت و تأمل پرداخته است.

بودا ، قانون کلی "گرمه" را به معنای وابسته بودن کیفیت وجودی انسان به اعمال گذشته اش قلمداد می کرد که موجب تناسخ و زایش ها و مرگ های مکرر وی می شود ، و تنها راه رهایی از آن را رسیدن به حالت "نیروانا" (Nirvana) می دانست. نیروانا در لغت به معنای خاموش شدن است و منظور از آن در اینجا ، حالت آرامش و سکون است که خالی از انانیت باشد.

بودا برای رسیدن به نیروانا ، شیوه ای از ریاضت را توصیه می کند که دارای هشت شرط به شرح ذیل است:

ایمان درست ، اراده درست ، گفتار درست ، کردار درست ، معاش درست ، کوشش درست ، اندیشه درست ، تمرکز درست.

در اینجا به خاطر رعایت اختصار ، به دو مذهب دینی و چهار مکتب فلسفی بودایی اشاره می نماییم:

علت اصلی رنج ها

از دیدگاه مکتب بودا ، علت اصلی همه مصائب و رنج های بشر ، جهالت و نادانی می باشد. زنجیره علل که به جهالت انسان نسبت به حقیقت رنج و راه درمان آن منتهی می شود ، از دیدگاه مکتب بودا بدین شرح است.

"بر نادانی ، گرمه وابسته است. بر گرمه ، آگاهی وابسته است. بر آگاهی ، نام و صورت وابسته است. بر نام و صورت ، حواس ششگانه (شامل حواس پنجگانه و هوش که حس ششم نامیده می شود) وابسته است. بر حواس ششگانه ، تماس وابسته است. بر تماس ، احساس وابسته است. بر احساس ، تمایل وابسته است. بر تمایل ، علاقه و دلبستگی وابسته است. بر دلبستگی ، هستی وابسته است. بر هستی ، تولد وابسته است. بر تولد ، پیری ، مرگ و رنج وابسته است".

(Radhakrishnan , History of Philosophy in Eastern and Western)

مجموعه کتب باستانی این مکتب عبارت است از "تری پیتیکا" به معنای سه سبد دانش. این مجموعه ، شامل سه بخش به شرح ذیل می گردد:

- سوتاپیتیکا

- وینیا پیتیکا

- آبهی دهرما پیتیکا

مذاهب دینی بودایی

آئین های دینی مهم بودایی عبارتند از :

الف - مذهب سنتی "هینایانا" (Hinayana)

مهمترین عقاید پیروان این مذهب عبارتند از :

- اعتقاد به اصل "گرمه" به عنوان قانونی غیر قابل تغییر .
- اعتقاد به عدم وجود خداوند تأثیر گذار در ساختار وجودی انسان.
- مبتنی بودن رستگاری انسان بر تلاش و کوشش وی و در راستای تعالیم بودا.
- اعتقاد به عدم وجود حقیقی اشیاء و اشخاص ، و اذعان به اصالت نمود.

ب - مذهب مترقی "مهایانا" (Mahayana)

از آنجا که اعتقادات مذهب "هینایانا" مبنی بر انکار خداوند تأثیر گذار و انکار روح ثابت ، و همچنین خود محوری روش های ارائه شده برای نجات و رهایی فرد ، با طبع و خواسته های عموم مردم و توده ها ناسازگار بود ، مکتب "مهایانا" به وجود آمد تا نواقص مکتب سنتی مذکور را جبران کند.

بر این اساس ، آئین مهائانا ، اصول ذیل را نیز احیا کرد:

- اعتقاد به وجود خدا.
- اعتقاد به وجود روح . از دیدگاه این مکتب ، روح فردی اشخاص ، در دائره عالم نمودهها قرار دارد ، و غیر از روح کل و حقیقت اعلی می باشد که (Mahatman) نامیده می شود.

مکاتب فلسفی بودایی

مکتب های معروف فلسفی بودایی عبارتند از :

- مادیامیکا (Madhyamika)
- یوگاچارا (Yogachara)
- ساوترانتیکا (Sautrantika)
- وایبهاشیکا (Vaibhashika)

مکتب مادیامیکا

از دیدگاه این مکتب ، همه چیز ، تهی از حقیقت است و همه عالم عاری از واقعیت می باشد.

پیروان این طرز فکر می گویند : علم و عالم و معلوم به یکدیگر وابسته هستند و اگر بطلان یکی از آنها ثابت گردد ، بی پایگی دو تای دیگر هم به اثبات می رسد ، و از آنجا که وجود امور مبتنی بر اوهام و خیالات ، حقیقت بودن علم را منتفی می کند ، بنا بر این ، عالم و معلوم هم به عنوان امور واقعی به اثبات نمی رسند.

این مکتب شبیه مکتب سوفسطایی های افراطی است که اثبات هیچگونه حقیقتی را نمی پذیرند و می گویند : هرچه در آفرینش هست ، جز وهم و خیال نیست. بدین جهت ، مکتب یاد شده را (Shungavana) یعنی فلسفه تهی می نامند.

مکتب یوگاچارا

از نظر پیروان این مکتب ، ذهن ، امری حقیقی است ؛ ولی عالم خارج از ذهن انسان ، عاری از حقیقت است و جز تخیل و تصویر ذهنی نیست. بنا بر این ، جهان خارج از کارگاه ذهن ، قابل اثبات نمی باشد.

مکتب ساوترانتیکا

این مکتب ، هم واقعی بودن وجود ذهنی و هم واقعی بودن وجود خارجی را می پذیرد. زیرا در صورت عدم واقعیت وجود خارجی ، وجود ذهنی نمی تواند حقیقت داشته باشد. تصاویر ذهن انسان ، در حقیقت نمایانگر اشیاء در خارج از ذهن بشر می باشند.

مکتب وایبهاشیکا

پیروان این مکتب نیز ، به حقیقت داشتن وجود ذهنی و وجود خارجی اذعان دارند . علاوه بر این ، حقایق و اشیاء خارج از ذهن را قابل ادراک حسی به صورت مباشر می دانند. آنان معتقدند که تا امور خارج از ذهن انسان به ادراک حسی درک نشوند ، تصاویر ذهنی نمی توانند نمایانگر حقیقی و راستین آنها در خارج از کارگاه ذهن باشند.

ویژگی های مکاتب فلسفی هند

ویژگی های مشترک مهمترین مکاتب فلسفی هند بر اساس سخن جمعی از دانشمندان تاریخ فلسفه ، عبارتند از :

آمیختگی فلسفه و دین

با پژوهش در مکاتب فلسفی هند ، معلوم می گردد که بسیاری از مکاتب فکری مذکور ، در طول تاریخ به تدریج ، ابعاد دینی یافته اند و برخی از آنها مانند مکتب "بودا" ، به یک مذهب تبدیل شده اند.

"راداكريشنان" (Radhakrishnan) در كتاب "تاريخ فلسفه شرق و غرب" چنين مي گويد :

"در يونان ، عناصر دين ، خصوصيات فلسفي يافتند . اما در هند ، فلسفه به دين مبدل شد". (History of Philosophy in Eastern and Western)

آميختگي نظر با عمل

با بررسي فشرده تاريخچه فلسفه در هندوستان به خوبي روشن گرديد كه آموختن فلسفه از ديدگاه پيروان مكاتب هند ، تنها جنبه نظريه پردازي براي دانستن حقايق ندارد ، بلكه به منظور عمل كردن و به كار گرفتن آن در جهت خود سازي و ارتقاء عملي نفس است.

ميرچا الياده - Mircea Eliade - مورخ ادیان، در اثر خود "Yoga" چنين مي گويد:

"در مكاتب فكري هند ، حقيقت في نفسه ، ارزشمند نيست. بلكه به دليل نقش رهايي بخش آن ، ارزشمند مي گردد".

اعتقاد به "كَرْمه"

ايمان به اصل "كَرْمه" يا "كارما" - Karma - (يعني : عمل) ، يكي از اصول مشترك بسياري از مكاتب فلسفي در هند است.

اعتقاد به اين اصل ، بر مبناي اصل "تناسخ" در بسياري از مكاتب فلسفي و مذاهب ديني در هندوستان پايه ريزي شده است. معنای رایج تناسخ عبارت است از زندگي مكرر روح واحد در بدن هاي متعدد. به اين صورت كه پس از مرگ يك فرد ، روح او به دنيا باز مي گردد و در كالبد ديگري قرار مي گيرد و اين كار ممكن است به تناسب عملکرد آن روح ، بارها تكرر شود.

اعتقاد به اصل "گرمه" به این معنا است که : اعمال خوب و بد انسان ، آثار وضعی متناسب با نوع عملکرد وی ایجاد می کند و آن آثار ، نفس انسان و آینده او را شکل می دهد و موجب زایش ها و مرگ های مکرر وی می شود ، و راه نجات از این چرخه مکرر ، رسیدن به حالت "رهایی" است که بر اساس دیدگاه های مکاتب مختلف فلسفی و دینی هند ، به حالت "نیروانا" (Nirvana) یعنی آرامش نفس که ناشی از خالی بودن از انانیت است ، یا مقام وحدت با "برهمن" که عبارت است از حقیقت ثابت یا روح اعظم و حقیقت مطلق ، یا وصول به عالم ملکوت ، تعبیر می شود.